

شنبه ۱۳ دی ۱۳۹۹ • ۱۸ جمادی‌الاولی ۱۴۴۲ • ۲ ژانویه ۲۰۲۱

# احمدعلی راغب؛ ققنوسی که دوباره زنده شد

سه‌شنبه ۱۸ آذر ۹۹ بود که استاد احمدعلی راغب این مرد هزارآهنگ موسیقی ایران در سن ۸۶ سالگی درگذشت. راغب از زمره پرکارترین و پرمخاطب‌ترین آهنگسازان ایران معاصر از جهت تعداد آثار به یادماندنی است. و این خود یکی از نقاط رازآمیز کارنامه اوست. هنرمندی که از سویی خالق بخش بزرگی از حافظه شنیداری ایرانیان است و از سویی دیگر گریزان از قواعد مرسوم شهرت بر تولید آثار باکیفیت و پرورش استعدادهای جوان متمرکز است. در این روزها که سالگرد قیام تعیین‌کننده ملت ایران در نهم دی ماه هشتیم فرستایی باقیم برای مرور یکی از آخرین قطعات او؛ عهد ایران. این قطعه با طلیعه شورانگیز ایران که کوفه نیست مگر مرده‌ایم ما در گرماگرم حادثه و در روزهای ملتهب سال ۸۸ با ملودی احمدعلی راغب تبدیل به نقطه عطف دیگری در کارنامه هنری او شد. گفت‌گوی محسن صفایی پژوهشگر موسیقی و از نزدیکان استاد در یک دهه گذشته با دکتر سید حسین شهرستانی شاعر قطعه عهد ایران پر از جزئیات ناگفته و خواندنی درباره حال و هوای آن روزها و زندگی و سلوک استاد احمد علی راغب است.

گفت‌وگوی ما حول قطعه «عهد ایران» است که جز آخرین یادگارهای آهنگسازانه مرحوم استاد احمدعلی راغب است و شما شاعر این کار و جز تیم تولید این قطعه هستید. اول یک توضیح مقدماتی بدهید که چطور شد که قطعه «عهد ایران» متولد شد؟

اگر بخواهیم ماجرا را بیان بکنیم از این قرار بوده که در گرماگرم ۸۸ و مسائل بعد از آن، جزئیاتی که در واقع جنبه تهاجمی به انتخابات و رای مردم داشتند، تولیدات و بازنمایی‌های فرهنگی، هنری ارائه کردند و در مقابل از این جهت دچار فقر بودیم. حتی من یادم هست در یکی از مناظرها و گفت‌وگوهای اجتماعی که در دانشکده علوم اجتماعی برگزار شد، بنده بودم و یکی از دوستانم و آن طرف آقای مرتضی هاشمی‌مدنی و خانم بهاره اروین که گفتگو می‌کردیم، یکی از نکاتی که آقای مرتضی هاشمی گفت این بود که اگر یک همچین جمعیتی آمدند رای آزاد داشتند، شما بزرگ هنری آن کجاست؟ یکی از ویژگی‌های این اتفاق هم این بود که بسیاری از قشر نخبگان و هنرمندان و فرهیختگان (یعنی الیت نخبگان هنری) سلیقه دیگری داشتند و مردمی که به آقای احمدی‌نژاد رای داده بودند زبان چندی برای رساندن نواهاشان نداشتند. ما در دوره‌ای تلاش کردیم از لحاظ هنری و فرهنگی و حتی به لحاظ نظری برای آن رای خاموشی که آمده رای داده زبانی بشویم. البته فعالیت ما برای تمام مردمی بود که در میدان انتخابات حضور داشتند و با تاندروها و کج‌روها سازگار نبودند. آنها درواقع صدا نداشتند، بی‌صدا بودند.

اینجا انگار یک جور مدعیانه احساس می‌کردند که چون ما این بار را داریم و چون پیرامون ما همه با یک سلیقه مشخصی رای دادند پس حتماً نامزد مورد تأیید ما باید رئیس جمهور شود. حتی می‌شود گفت که هر دو گروه در سال ۸۸ به این اندازه در شوک بودند. عده‌ای از اینکه رای داند ولی صدا ندارند، در بهت بودند. از آن طرف هم صدای رسا ولی بی‌گانه‌ای که از جریان مقابل به گوش می‌رسید. بالاخره هم صدا بود و هم یک سکوتی را حاکم می‌کرد.

مسئله این بود که انتخابات مشارکت بالایی داشت. افشار متعددی رای اول‌شان بود، منتهی آنهایی که تهران بودند و مناطق بالای تهران بودند و مناطق برخوردار تهران بودند اینها انگار یک جور مدعیانه احساس می‌کردند که چون ما این بار رای دادیم و چون پیرامون ما همه با یک سلیقه مشخصی رای دادند پس حتماً نامزد مورد تأیید ما باید رئیس جمهور شود. از طرف دیگر ما رای اولی‌های دیگری هم داشتیم که خاموش بودند و نیرویشان کمتر از رای تهرانی بالاشهری‌ها بود. منظورتان کدام رای دهندگان است؟

## گام نهادن در مسیر تمدن سازی، مستلزم استقلال در حوزه تولید است

نشست «اسم اعظم شیطانی مصرف» مبتنی بر کتاب «فلسوفی در تعمیرگاه» اثر متیو کرافورد با حضور کمیل سوهانی، مترجم اثر و هما یزدانی دکتری علم و فلسفه فناوری از طریق فضای مجازی به صورت زنده پخش شد.

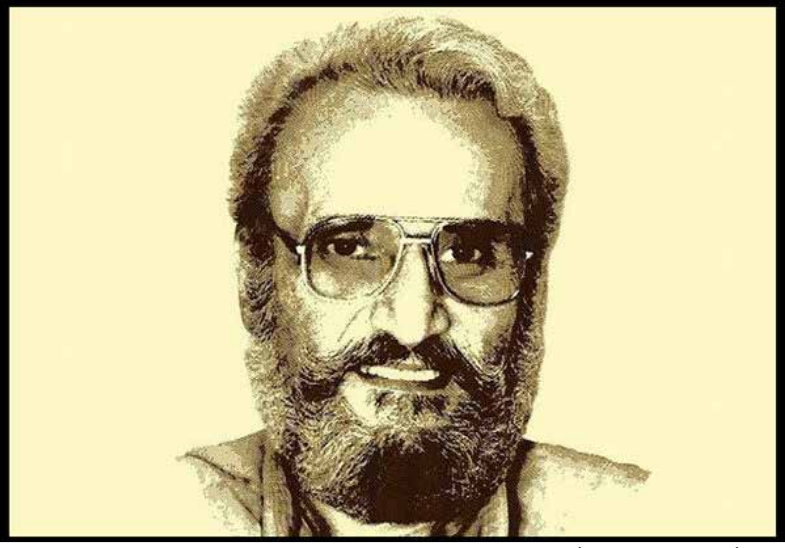
نشست «اسم اعظم شیطانی مصرف» مبتنی بر کتاب «فلسوفی در تعمیرگاه» اثر متیو کرافورد با حضور کمیل سوهانی، مترجم اثر و هما یزدانی دکتری علم و فلسفه فناوری از طریق فضای مجازی به صورت زنده پخش شد.

کمیل سوهانی مترجم کتاب با اشاره به بهره گیری از تجربه زیسته نویسنده در این اثر، این رویه را روش متداول در میان نویسندگان امریکایی عنوان کرد و گفت: استفاده از تجربه زیسته نویسندگان تبدیل به یک رویه شده و سعی می‌کنند در لابه لای این تجربیات، نکات خودشان را مطرح کنند. معتقدم این اثر، مهمترین کتاب در این ژانر است.

وی افزود: موضوع مهمی که برای من به جهت ترجمه این کتاب اهمیت داشت - فارغ از اینکه آیا جامعه کرافورد درست است یا غلط؟ – نوع نگاه اندیشمندانه وی به مسائل فرهنگ خود بوده؛ این در حالی است که کرافورد در گفتن من چون فیلسوف هستم باید در دانشگاه بنشینم و فقط در مورد هستی و وجود حرف بزنم بلکه درگیر جزئی‌ترین مسائل جامعه خودش می‌شود و می‌گوید چرا در جامعه امروز آمریکا، انسان‌ها از کار کردن شان نیستند؟ چرا کار و لذت با همدیگر مزوج نشده است؟ یکی دیگر از انگیزه‌های من برای ترجمه این کتاب، نوع نگاه یک اهل فلسفه برای مسائل جزئی جامعه خودش است که با زبان نظری و عملی، به تبلیغ فلسفی یک موضوع مثل «کار» می‌پردازد.

مترجم کتاب «فلسوفی در تعمیرگاه» یاد آور شد، کرافورد کتابش را با یادآوری ۵۰ سال گذشته نظام آموزشی آمریکا شروع می‌کند و با اشاره به مباحث مربوط به اقتصاد دانش و خلق ثروت، می‌گوید آن چیزی که موجب ثروت می‌شود، انسان است و دانش هم به دست می‌آید نه از کارهای دستی. این مباحث در آمریکا بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد به صورتی که از یک مقطع زمانی به بعد در مدارس آمریکا بخشنامه می‌شود که ابزارهایی که مربوط به کار دستی است باید جمع‌آوری شوند و به جای آن، کامپیوتر برای مدارس خریداری شود و این اتفاق به این دلیل می‌افتد که ما دیگر وارد عصر دانش شدیم و قرار است که انسان از کارهاییدی خلاص شود. این کتاب می‌خواهد بگوید که اینگونه تفکر چقدر برای انسان خطرناک است و اگر این روند ادامه یابد انسان دچار مشکل خواهد شد.

**ارتباط با واقعیت؛ تربیت انسان آزادی طلب و حسان به امور جامعه**
کمیل سوهانی اضافه کرد: **آسانی** که ارتباط با واقعیت و محیط اطراف خودش را تمرین نمی‌کند با محیط زیست و انسان‌های دیگر هم دچار مشکل می‌شود چرا که توجه به دیگری را تمرین نکرده است، چیزی



رای توده‌های مردم، رای روستاها و شهرهای کوچک و حتی بخش‌های حاشیه‌ای شهرهای بزرگ را می‌گوید.

و این رای دهندگان صدایی در حوزه هنر و رسانه نداشتند.

در هنر و فرهنگ و رسانه و حتی در حوزه اندیشه صدایی نداشتند. مثلاً اغلب نخبگان جامعه‌شناسی و اندیشمندان و نخبگان علوم انسانی حتی اگر رای توده مردم را می‌پذیرفتند، آنها را شماتت و تحقیر می‌کردند. می‌گفتند این

رای، رای پوپولیستی است. این رای ارزش آن یکی رای آن ندارد. به هر حال زمان سرایش شعر «عهد ایران» که در همین موقعیتی نبود، بعد از این اتفاقات، حادثه‌ای که رخ داد این بود که در واقع عدم توازن و بی‌عدالتی در حوزه بازنمایی و روایت میدان انتخابات سال ۸۸ وجود داشت. حوادث مختلفی به وجود آمد و اینها منتهی شد به حادثه ۹ دی که حادثه ۹ دی آن لحظه‌ای بود که درواقع مردم خودشان به میدان آمدند و نشان دادند که آن چیزی که واقع شده پشتوانه واقعی مردمی داشته است و فرآیندی طی شد که بخشی از آن باعث شد بدنه معترض توجیه یا حداقل آرام شد و تردید کرد.

۹ دی به مردم انرژی می‌داد و آن انرژی تبدیل می‌شد به یک سرمایه و اعتماد به نفس که البته سرمایه‌شن اولیه آن شعر قبل از ۹ دی نوشته شده بود و شعر هم برآمده از شعر مردم بود.

یعنی پیوند شعر و شاعر را در این اثر داشتیم. شاعر معروف «ما اهل کوفه نیستیم اعلی تنها بماند» که یک شاعر حماسی و یک شاعر در عین حال تاریخی است. نوعی فلسفه تاریخ شیعی پشت این شعر است، یادآور یک بازسازی، یک دوره تاریخی در یک عصر تازه است و درواقع یک جور اسم رمز است. در واقع یادآور نوعی خاطرات تلخ و شیرین تاریخ تشیع است. به طور کلی خود شعار و راهبیمایی و تطاهرات و هم‌خوانی و هم‌اواپی مبدأ همه سرودها و اشعار انقلاب بوده است. همیشه سرودهای انقلابی و اشعار انقلابی در واقع برآمده از شعارهای مردم بوده و همیشه یک داد و ستدی بین شعر و اشعار وجود داشته است. این شعر هم ناخودآگاه آن مضمون و حس و حال و معنا و نسبتی که در این شعار وجود دارد را یادآور شد. آن مضمونی که در این شعار وجود دارد در واقع تأکید بر پیوند عمیق بین امام و وفاداری مردم نسبت به امام و وفاداری امام نسبت به مردم است. مضمون وفاداری و عهد و پیمان، مضمون مهم این شعر بود که استاد راغب به درستی عنوان «عهد ایران» را روی این شعر گذاشتند.

عنوان شعر هم به نظر بسیار مرتبط با این مضمون است. مضمون وفاداری و عهد و پیمان، مضمون مهم این شعر بود که استاد راغب به درستی عنوان «عهد ایران» را روی این شعر گذاشتند. بیت اول در واقع یک جور جنبه قابل تکرار دارد. نوعی حالت

پاپ بیاید و وارد میدان شود و در عین حال که موسیقی پاپ وارد میدان شود؛ مبتذل هم نباشد. استاد راغب را بیشتر با کارهای دوره انقلابش به یاد می‌آوریم. ولی به آن بخش شاید بگوئیم سخت‌تر که به تعبیری می‌شود گفت موسیقی بعد از جنگ و به تعبیری دیگر موسیقی زندگی است توجیهی نشده و اتفاقاً به نظرم بخش الگوساز کارنامه هنری امثال راغب همینجاست.

ایشان در هر لحظه‌ای، حس همان لحظه را و زبان آن روزگارش را با هنر بیان کرده و زبان انقلاب در آن روزگار به طور خاص شده است.

اگر این جمله درباره شعر بگوئیم که در آن سنتی هزار ساله داریم عجیب نیست اما وقتی درباره موسیقی که همیشه با آن دچار نوعی پلانکیفی بودیم می‌گوئیم واقعاً شگفت‌انگیز است. اینکه موسیقی صدای زمانه شده.

بله در موسیقی بسیار سخت‌تر است.

ویژگی بزرگ آقای راغب این است که متوقف نمی‌شود خیلی‌ها بودند که در لحظه جنگ درخشیدند و تمام شدند و دیگر چیزی برای گفتن نداشتند، ایشان باز هم تمام می‌دهد در دوره بعد از جنگ و دهه ۷۰ و بعد به فعالیت ادامه می‌دهد. در تمام لحظاتی تاریخی در آن ایام توانستیم

حس آن لحظه را با موسیقی ثبت و ماندگار کنیم و این هنر بزرگ راغب است.

کارنامه استاد راغب را در واقع به چهار دوره می‌توان تقسیم کرد. یک موسیقی مربوط به قبل از انقلاب است، که آن دوره بیشتر می‌شوند تا خلق صدا بکنند. صداها را می‌شنود و آن دوره پژوهشی است انجام می‌دهد سرمایه‌ای است برای موسیقی بعد از انقلاب. دوره دوم دوره انقلاب و جنگ است که برجسته‌ترین دوره و گل کارنامه راغب است و در همین دوره مرد هزار آهنگ است. ولی ویژگی بزرگ آقای راغب این است که متوقف نمی‌شود خیلی‌ها بودند که در لحظه جنگ درخشیدند و تمام شدند و دیگر چیزی برای گفتن نداشتند؛ ایشان باز هم تداوم می‌دهد در دوره بعد از جنگ و دهه ۷۰ و بعد به فعالیت ادامه می‌دهد.

ایشان سیزده آلبوم بعد از جنگ دارد. مثلاً در موسیقی حالده گیلان سه تا آلبوم با صدای ناصر مسعودی دارد.

کارش با سراج، شب عاشقان بی دل کار مهم آن دوره هست.

بله، آلبوم نگاه آسمانی که همایون رحیمیان هم تأظیف آن کار را به عهده داشته و چندین آلبوم داشته که به سبک موسیقی گل‌های قبل

از انقلاب است با بهرام گودرزی رباعیات خیام را مثلاً کار کرده است. اینها همه کارهای دهه هفتاد است یعنی در دهه هفتاد راغب وارد فضای آلبوم موسیقی می‌شود و در بازار موسیقی قصب نمی‌ماند. مثلاً آقای گلرلیز تا یک ایستگاهی با ایشان همراه است و پیاده می‌شود. ولی ایشان عبور می‌کند؛ جلوتر می‌آید و کار جدید تولید می‌کند و بعد در ۸۸ سر از خاکستر درمی‌آورد و مثل ققنوس دوباره به میدان می‌آید.

آقای راغب واقعاً نیروی این را داشت که خودش را تکان بدهد و یک خلق تازه بروز دهد. این در هنر سخت است، در سنین بالاتر سخت‌تر هم هست. این جوان‌گرایی رنگ اخیلی عجیب است. در ده سال آخری که کتاب خیل بوم ایشان به من خواننده پیشنهاد می‌داد. خواننده‌های جوان. آقای حجت اشرف‌زاده را پیشنهاد داد برای خوانندگی یک قطعه، یک آلبوم کار کرده بود با صدای سینا سرلک. این‌ها نشان می‌دهد که این آدم در عین اینکه پیر می‌شود ولی جوان ماند. هنرمندان بزرگ کسانی هستند که دائماً خودشان را بشکنند؛ خودشان را تازه کنند؛ خودشان را جوان کنند. ولی اغلب عقب می‌مانند؛ چون در یک لحظه‌ای خودشان مانده‌اند، نوستالژی خودشان مانده‌اند. آقای راغب واقعا نیروی این را داشت که خودش را تکان بدهد و یک خلق تازه بروز دهد. این در هنر سخت است در سنین بالاتر سخت‌تر هم هست.

## تجدید نظر در ادبیات حماسی و ملی

ایمان پور بود و همین جنس بچه‌هایی که به ندرت در رسانه بودند و بعدا همین‌ها بعضاً از رسانه بیرون شدند. آن رسانه رسمی و ملی یعنی همین جنس بچه‌هایی که فراتر از ساختارهای کارمندی و اداری و بروکراتی سازمان، برنامه دپروز امروز فردا را بالا آورد که یک برنامه‌ای بود که بالاتر از مرزهای صدا و سیما کار می‌کرد، و داشت حرف نو می‌زد.

زمانی که استاد راغب و علی معلم و همکارانشان فعالیت‌های دفتر موسیقی را در دست داشتند؛ الگویی را خلق کردند که در آن الگو هم تنوع سلاقی به رسمیت شناخت شود و موسیقی پاپ بیاید و وارد میدان شود و در عین حال که موسیقی پاپ وارد میدان شود؛ مبتذل هم نباشد. این برنامه می‌شود گفت جز معدود برنامه‌هایی بود که تربیون داغ رسانه‌ای بود.

تنها تربیون رسانه‌ای بود که در آن این بازخیری فرهنگ انقلابی را در مواجهه با کارزار زنده کرد. دیروز امروز فردا در رسانه ملی در ۸۸ صدای این هویت در رسانه ملی شد. نه اینکه بخش‌های دیگر نبودند به هر حال تلویزیون یک تلویزیون نظام بود از نظام دفاع می‌کرد از رهبری دفاع می‌کرد، منتهی به همان شیوه‌های سنتی، این هویت جدید فرهنگی که نمادهای خودش را داشت لحن خودش را داشت در واقع گفتار خاص خودش را داشت فراتر از آن ادبیات رسمی صدا و سیمایی، غیر رسمی بود. یک هویت غیررسمی اینجا شکل گرفت. که بعداً این هویت غیررسمی، نهادهایی پیدا کرد و اوج و تمثال اوج پدید آمد.

از سوی دیگر متأسفانه ما چون موسیقی را هم یک جورهایی انگار به رسمیت می‌شناسیم و نمی‌شناسیم معلوم نیست که تکلیفش چیست. در یک خوف و رجاء نگه داشتیم. اگر به درستی موسیقی را بشناسیم وبه درستی به موسیقی بپردازیم از آسیب‌هایش هم کمتر ضرر می‌بینیم. در طول دهه دهه هفتاد و هشاد مدیریت موسیقی در بسیاری از ارکانش دچار این بی‌سوادی بوده است. سواد موسیقی و فهم موسیقی و درک درست از موسیقی پایین بوده است. ما دچار این آسیب‌ها شدیم؛ ولی انگار به استاد راغب و علی معلم و همکارانشان فعالیت‌های دفتر موسیقی را در دست داشتند؛ الگویی را خلق کردند که در آن الگو هم تنوع سلاقی به رسمیت شناخت شود و موسیقی

ایمن پژوهشگر فلسفه علم و فناوری گفت: کرافورد می‌گوید فضای کارهای دستی و فنی‌عابث می‌شود که آدم‌هایی این‌فضا صادق تر باشند و این نوع آدم‌ها در عین حالی که رکت هر هستند، مسئولیت‌پذیری را هم تمرین می‌کنند و معیارهای قضاوت آن عینی و مشخص‌تر می‌شود که همین امر سبب کندوه شدن زبان گفتاری آن خواهد شد.

گفتنی است این نشست به صورت زنده از طریق فضاهای مجازی اداره کل کتابخانه های عمومی استان پخش شد.

شماره ۳۱۱۹

## اخبار

### خاطرات مردمی درباره حاج قاسم منتشر می‌شود

واحد تاریخ شفاهی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، از زمان ترور و شهادت حاج قاسم سلیمانی، اقدام به گردآوری خاطرات و روایت‌های مردمی درباره حاج قاسم در دو کشور ایران و عراق کرده بود. با پایان یافتن تدوین این خاطرات، طی روزهای آتی و همزمان با اولین سالگرد شهادت سردار مقاومت، چهار کتاب «بر شانده‌های کارون»، «سردار سرداربار»، «بیزله بر دجله» و «حافظ دل‌ها» در این باره، توسط انتشارات «راه یار»، منتشر و روانه بازار نشر می‌شوند. به همین بهانه، به بررسی و ضرورت پرداختن به روایت‌های غیررسمی و مردمی در تاریخ‌نگاری انقلاب پرداختیم که می‌خوانید.

نقل است روزی که در بازار برده‌فروش‌ها یوسف را می‌فروختند، پیرزنی با دوک نخی در صف خریداران ایشان ایستاده بود؛ اما دوک نخ او کجا و خریدن یوسف کجا… این نقل و حکایت معلوم نیست واقعی است یا نه؛ اما یکی از معدود روایت‌های مردمی و «حاشیه‌ای» از قصه‌های حضرت یوسف است

که زیبایی و تأثیر جمال یوسف بر مردم شهر را به‌خوبی به تصویر می‌کشد. از دفاع مقدس ماجرای تخم‌مرغ اهدایی از روستایی دورافتاده با کمک دختربچه‌ای مستضعف را که توان خرید کمیوت نداشت و قوطی کمیوتی را برای رزمنده‌ها فرستاد تا به‌جای لیوان استفاده کنند، شنیده‌ایم. این خاطره‌ها و صدها خاطره و روایت دیگر، حاشیه‌ای بر متن جنگ‌اند؛ منجباتی که تصویر ذهنی ما را از مردم و جامعه و جنگ کامل کرده و تمایز هویتی جامعهٔ ما را با دیگر ملت‌ها آشکار می‌کند.

در پیاده‌روی اربعین، اباعبدالله، متن پلانماز است و به عدد زَوّار و خَدّام و موکب‌ها، حاشیه‌هایی هستند منکثر و هر روایت حاشیه‌ای، جان مستمع و خواننده را جلایی می‌دهد منحصربه‌فرد. قصهٔ آن‌که هیچ نداشت برای پذیرایی زوار را شنیده‌اید؛ همو که آخرالامر سایه‌اش شد خدمتی به زائر خسته. با شنیدن این دست روایت‌هاست که عشق و ارادت در مکتب شیعه را می‌توان از دیگر دوست‌داشتن‌ها تمایز بخشید.

از این اتفاقات در تاریخ اسلام بسیار افتاده و خواهد افتاد؛ اما تعداد معدودی در حافظه‌ها مانده و به تاریخ و هویت ما رنگ و طعمی ویژه بخشیده است و صد حیف که بیشتر رخدادهایی از این دست، مستند و مکتوب نشده‌اند و از دست رفته‌اند.

این روایت‌ها حاشیه‌های متن‌اند؛ حاشیه‌هایی نه مهم‌تر از متن که منجی متن. این حاشیه‌ها هریک تک‌های از بافت هویت ما را شکل می‌دهند و بدون این‌ها هویت ما الکن و علیل است.

**تیب، حاشیه، شخصیت**

اینکه چهل سال پس از انقلاب اسلامی، نسل حاضر، انقلاب و امام‌خمینی (ره) را نه پدیده‌ای جهانی و تاریخی که پدیده‌ای سیاسی و مقطعی می‌داند، به‌علت روایت‌نشدن حاشیه‌هاست.

جالب اینکه در همین افغانستان، پیش از انقلاب، به‌رغم داشتن عکس امام، خانه و کاشانه صاحب عکس را آتش زده‌اند یا برخی دوستداران امام‌خمینی(ره) در غم فرارش جان داده‌اند و هزاران ماجرای دیگر که در بزرگ‌ترین تشییع‌چنانّه تاریخ رخ داد و از آن ماجراها هرگز چیزی در تاریخ ثبت نشد (روزی به تصویر درآید… . ماجرای ارادت قلبی مردم به امام در روزهای پس از ارتحال ایشان قطعاً تصویر دیگری از امام و انقلاب را به نمایش می‌گذارد و واقعیت جامعه و امت را از دام سیاسی‌شدن یا نخبگانی‌بودن نجات می‌دهد.

تیب‌شدن، نتیجه‌ی محتوم بی‌توجهی به حاشیه‌هاست. جزئیات که گفته نشود، برجستگی‌ها و تمایزها از بین می‌روند. شخصیت‌ها تیب می‌شوند و در نهایت، تاریخ انقلاب و جنگ و مقاومتِ «مردمی» ایران در این چهل‌ساله را از پشتوانه مردمی تهی می‌کند.

با حذف مردم از فرهنگ و هویت و تاریخ، جامعه انقلابی به طبقه سیاسی منحصر می‌شود و رنگین‌کمان هویتی انقلاب به نقوش سایه‌وسفید تبدیل می‌شوند. روایت مردم و حرکت‌های مردمی، یگانه راه نجات این رنگین‌کمان است. شاید از این روست که امام‌خمینی(ره) در تاریخ‌نگاری انقلاب تأکید می‌کردند: «باید پایه‌های تاریخ انقلاب اسلامی ما چون خود انقلاب بر دوش پابرنگان مغضوب قدرت‌ها و اب‌بردتر‌ها باشد.»

### کپکشان راه سلیمانی

رنگین‌کمان هویت انقلاب اسلامی در آخرین سال‌های دهه نود، کپکشانی پُرتنگ‌نور کم داشت و آن تشییع باشکوه و پرجمعیت پیکر سردار سلیمانی در چند شهر ایران و عراق بود. درباره شخص حاج‌قاسم و ابومهدی و یاران شهیدشان گفته‌اند و از این پس هم بسیار خواهند گفت؛ اما حاشیه‌هایی در متن شهادت سردار و بارش وجود دارد که مانند حاشیه‌های تاریخ اسلام، دفاع مقدس، پیاده‌روی اربعین … و خواندنی و برترم و هویت‌بخش‌اند؛ روایت‌هایی که هر یک، درنوردی در کپکشان راه سلیمانی‌اند و قطعاً می‌توانند در بسترهای هنر، اندیشه و رسانه، محصولات و آثار تازه‌ای خلق کنند.

هدف از بیان روایت درست متن و حاشیه و تلاش برای ازبین‌نرفتن شخصیت‌ها، پاسداری از هویت و نهضت انقلاب در «جنگ روایت‌ها» است که نه‌تنها رسانه، بلکه اندیشه و هنر نیز میدان آن است.

روایت هنری و دراماتیک از انقلاب اسلامی به روایتی دقیق از قهرمان‌های نهضت انقلاب نیاز دارد. روایت قهرمان‌های نهضت تنها‌تبدون روایت ملت قهرمان شدنی نیست؛ بلکه ظلم به قهرمان و ملت است. قاسم سلیمانی قطعاً ویژگی‌های قهرمان مدرن را دارد: شجاعت، دلبری، خستگی‌ناپذیری، ایمان به هدف و… اما آنچه قهرمان مدرن ندارد و حاج‌قاسم مستثنی از آن است، ارتباط عمیق و دوسویه با مردم و جامعه است. چه اینکه فرهنگ مدرن بر فرد بناست و فرهنگ انقلابی تکیه به جامعه دارد. روایت فردی خودکام بدون توجه به درهم‌تنیدگی اجتماعی‌اش، ظلم به او و آرمان اوست. ماجرا جایی جالب می‌شود که روشن‌فکران غرب‌زده این را درحرف‌یافته‌اند و در تحریف شخصیت انقلاب تا جایی که ممکن است، منکر ارتباطات مردمی و اجتماعی‌اش می‌شوند. این‌ها که ابتدا در برابر روایت انقلاب و قهرمانی‌هایش سکوت کرده بودند، حالا از روایت این پدیده‌ها منصرف نیستند؛ بلکه روایتی فردی و محصور در خود به دست می‌دهند.

### اندیشه

ماجرای تشییع باشکوه و بی‌نظیر حاج‌قاسم زمانی اهمیت دوچندان می‌یابد که این پدیده ره‌یافتی برای تحلیل‌های جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی در دهه چهارم انقلاب باشد. با این وصف، تأثیر بر علوم انسانی در ایران و شکستن تحلیل‌های پوسیده غرب‌زده از جامعه ایرانی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای روایت عزاداری حاج‌قاسم است. این موضوع زمانی مهم‌تر می‌شود که بدانیم جریان اندیشه‌ای در ایران در برابر پدیده‌های بسیار کوچک‌تر و بی‌رقم‌تر، واکنش‌های متعدد نظری می‌دهند؛ اما درباره پدیده شگفت‌انگیز تشییع حاج‌قاسم سکوت می‌کنند.

### رسانه

جمع آوری و انتشار خاطره‌ها و لحظه‌های خرد شهادت، عزاداری، راهبیمایی، تشییع و… از کارهای رسانه‌ای است که هم به آثار هنری و اندیشه‌ای مدن می‌رساند و هم خود سندی معتبر است برای نسل‌های بعد. البته این نوع خاطره‌نگاری غالباً در میان مجموعه‌های تاریخ‌نگاری مهجور و پیش‌یافتاده است و به همین دلیل، اهمیت جمع‌آوری روایت‌های مردمی دوچندان می‌شود.

شاید بتوان گفت در نهان تشییع‌های عاشقانه شهدا و امام شهدا معنی دیگری نهفته است؛ اگر تشییع حاج‌قاسم پرشکوه است و حضور مردم شگفتی‌ساز، برای جریان تشییع و بدرقه‌های غربانه بدن‌های مبارک ائمه و شیعیان در طول تاریخ اسلام است. ما اگر گرد سلیمانی سینه می‌زنیم، برای ارادتش به سیدالشهدا(ع) و اهل‌بیت(ع) است؛ همان‌هایی که غربیانه و مظلومانه بدرقه شدند. شاید اگر قصه‌های این تشییع عظیم، مثل داستان پیرزن و دوک نخ و سوادِ یوسف، روایت شود، جلال و جمال شخصیت شهدا را زیباتر و دوستانه‌تر نمایش دهد.

نابراین گزارش، علاقه‌مندان برای اطلاع و تهیه این کتاب‌ها می‌توانند به صفحات مجازی ناشر rahevarpub@ مراجعه کنند و یا شماره‌های ۰۲۵۳۳۷۲۴۶۴۹۰ و ۰۲۱۴۲۷۹۵۴۵۴ تماس بگیرند.

### معرفی نامزدهای جشنواره نقد کتاب در گروه زبان و زبان‌شناسی

مقاله‌های «استعاره‌هایی که جهان ما را می‌سازند: بررسی و نقد کتاب استعاره و شناخت»، کامیار جولاپی، نقد کتاب علوم انسانی، ش ۶، تابستان ۱۳۹۸، «ایران‌شناسی در پرتو میان روش‌شنگی: بررسی و نقد کتاب مجموعه ماتیکان فرهنگی»، فاطمه شمسی، نقد کتاب علوم انسانی، ش ۶، تابستان ۱۳۹۸،

«بررسی و تحلیل تطبیقی کتاب بن‌بیم‌های شرقی»، زینب صادقی‌سپهر‌آبادی، پژوهشنامه انتقادی متون، ش ۶، شهریور ۱۳۹۸، «بررسی و نقد کتاب تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی»، مصطفی حسینی، پژوهشنامه انتقادی متون، ش ۶، شهریور ۱۳۹۸، «درباره زبان آدم: نقد و بررسی کتاب زبان آدم: انسان چگونه زبان را ساخت، زبان چگونه انسان را ساخت»، رضا امینی، پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، «نقد و ارزیابی درس‌نامه‌های دستور زبان فارسی»، فاطمه احمدی‌نسب و داوود پورمظفری، ادبیات و علوم اعصاب، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸، «نقد و بررسی غلط نوسبیم»، فرهاد قربان‌زاده، فرهنگ‌نویسی، ش ۱۴، بهار ۱۳۹۸، «نقد و بررسی کتاب آموزش کاربردی واژه (جلدهای ۱و ۲) از دیدگاه طرح درس تکلیف محور و بازیبنه‌رادی»، هدی سلیمی و امیر زند مقدم، پژوهشنامه انتقادی متون، ش ۶، شهریور ۱۳۹۸، «نقد و تحلیل کتاب درآمدی به فلسفه زبان»، بهلول علایی، پژوهشنامه انتقادی متون، ش ۱۱، بهمن ۱۳۹۸ و «نگاهی انتقادی به کتاب زبان، منزلت و قدرت در ایران»، مظفر امینی و حسین محمدی، پژوهشنامه انتقادی متون، ش ۱۱، بهمن ۱۳۹۸ اشاره کرد.

مراسم پایانی هفدهمین دوره جشنواره «نقد کتاب» با اعلام اسامی برگزیدگان و مقالات شایسته قدردانی در دی ماه برگزار خواهد شد.